



بهینما

بازی زیبای جیم کری در ترومن شده اسکالر پایه همراه نقاشی، امسال هم در حالی که این کمترین برجسته به طور جدی به صاحب جایزه آکادمی سینما می‌اندیشید باردیگر از اسکالر معروف ملکه

مردی بر روی ماه با بازی جیم کری، به زندگی اندی کافمن کمترین و کمترین نویسنده‌های پیش آمریکا می‌پردازد. این کمترین را شخصیت عجیب و غریب معرفی می‌کنند و کری معتقد است که در طول فیلم، این کافمن بوده که خودش، فیلمش و بازیگرش را پیش برده است. آخرین گفت‌وگو با جیم کری را می‌خوانیم.

ترجمه بهرنگ موحی

بزرگ برای او بود که ناگهان شناخته شود. زیرا او سال‌ها این کار را در خیابان‌ها انجام داده بود، به خوبی از عهدش برآمد، او این مرد بود. برای او بسیار لذت بخش بود و ناگهان برایش آن مرد را بازی کن، یک اتفاق بود. بسیاری از کمترین‌ها با چنین موقعیتی مواجه می‌شوند. رابین ویلیامز نیز در Do nanu nanu چنین موقعیتی داشت و می‌گفت: شما نمی‌فهمیدید، من این نقش را بازی نمی‌کنم، من این هستم.

آیا اکنون اندی کافمن را چور دیگری می‌بینی؟ فکر نمی‌کنم. او نیازمند توصیفی باشد. اگر او را توصیف کنیم، او را کشته‌ایم. این موقعیت زندگی اوست. او بر مرگ غلبه کرد و هیچ کس نمی‌داند که واقعی بود یا نه. اگر برنده اسکالر شوم، آرزو دارم که از قبر بالا بیاید و از

# من و کافمن در اتاق کودکی‌مان

آیا این فیلم در خارج از طیف طرفداران کافمن نیز مخاطبانی دارد؟

در اروپا به نمایش در آمده است و آن‌ها اصلاً اندی را نمی‌شناسند. شاید هم این طور بهتر باشد. نمی‌دانم ولی به نظر می‌رسد به عنوان یک هنرمند برجسته دیوانه او شده‌اند. او کسی بود که باورهای مردم را به بازی گرفت. فکر کنم فیلم خوبی از آب درآمد.

دنی دیویتو گفته که این نقش تو را کاندیدای اسکالر می‌کند.   
ها.   
او فکر می‌کند امسال سال توست. آیا این برای تو مفهومی دارد؟

تجربه‌ی عالی بود. برای همه یک آدیسه بود. انگار واقعا اندی در همان اطراف بود و هر تصمیمی بر این مبنا گرفته می‌شد. کل پروژه آن قدر مهیج بود که اصلاً دوست نداشتم به پایان برسد. در حقیقت می‌گویم، خود تجربه آن قدر عالی بود که اگر نتیجه‌اش کاندیدا شدن برای اسکالر باشد، سخته خواهم کرد.

چرا این نقش تمام انرژی تو را گرفت؟   
باید این طور می‌شد زیرا انرژی اندی را هم گرفت، می‌دانم؟ من در هیچ پروژه دیگری این طور کار نمی‌کنم، اندی نسانی بود که صبح که چشمانش را می‌گشود، سیرک آغاز می‌شد. او هرگز از شرکت در یک برنامه تلویزیونی عصبی نمی‌شد. او بی‌مقدمه و فوری به درون نقش یا شخصیت نمی‌رفت بلکه به صورت آن

نقش یا شخصیت در می‌آمد و خود شخصیت می‌شد. او بسیار متعهد بود. در حقیقت، مردم تصور می‌کردند که بیمار است، اما هر کاری که درهای از تعهد خارج می‌شد برای اندی، اهانت‌آمیز بود.

فیلم رفتار عجیب و غریب کافمن را توجه می‌کند ولی نمی‌گوید که او واقعا بیمار روانی بود.

او این حالت را داسکیزوفرنی انتخابی، نامیده بود. یک انتخاب بود، ولی او آنقدر به آن تعهد داشت که باعث نگرانی می‌شد. این فیلم برای من این موقعیت را ایجاد کرد تا خود را با چنین حالتی رها کنم. واقعا برای سه ماه اصلاً وجود نداشتم. من کافمن بودم که به تخت خواب می‌رفتم، در تاریکی در سالن راه می‌افتادم، نیمه‌شب چراغ‌ها را خاموش می‌کردم. کمالاً در این حالت غرق شده بودم. صبح بلند می‌شدم و می‌پریدم درون کفش‌های اندی.

تو پالتوی کفش تونی کلیفتون هم کردی. او چه تأثیری بر تو گذاشت؟

می‌دانم. تونی بز من خیلی تأثیر گذاشت. تونی به من یاد داد حتی اگر رفتار بسیار شخصی باشد. اگر واقعا در موردش راستین باشی، مورد قبول قرار خواهی گرفت.   
چک نیلسون را نگاه کنیدی.

آیا یک کافمن خصوصی و یک کافمن همگانی وجود داشت؟

مسلماً. در حقیقت کمی هم او را از من داد. وقتی در تاکسی نقش لاکا کاکاها را به عهده گرفت، یک ناکامی

دستانم آن را بقاءید.   
چگونه اندی کافمن بر کمندی تو تأثیر گذاشت؟ آیا یک هنرمند مجری حقیقتی است.

نمی‌دانم که آیا قبلی از اندی اصلاً کاری هم می‌کردم. من یک امپرسیونیست بودم. او درها را گشود و ثابت کرد که یک کمترین مجبور نیست خنده‌دار باشد، بلکه باید جالب باشد. به دوره‌ی رسیدم که از امپرسیونیست بودن باز ایستادم. برای ۶ ماه از زندگی‌ام به یک کلوب کمندی رفتم و هیچ شبی هیچ کدام از چیزهایی که شب قبل گفته بودم تکرار نکردم. مرگبار بود و عرق سراسر بدنم را فرامی‌گرفت. ولی وقتی به شکست اندی کافمن نگاه کنید می‌بینید که اشکالی ندارد. یک نگرش متفاوت بود. من هر کاری بخواهم انجام می‌دهم، و تا زمانی که مرا خوشحال کند، اشکالی ندارد. یعنی تا وقتی که از من راضی نشده‌اید.

ترسیده بودی از این که خود را از لحاظ روانی در نقش گم کنی؟

بلی، همین طور است. مثل نمی‌دانم، یک چهارپای وحشی است. فکر می‌کنی که کنترلش را به دست آورده‌ی و به سوزی طویله می‌رود.

آیا فکر می‌کنی امروز هم مانند ۲۰ سال پیش مردم با همان دید منفی به اندی کافمن می‌نگرند؟

این طور به نظر می‌آید.   
آیا روی سخنت با ما است؟   
شاید.



هر کاری بتوانم انجام دهم. من عاشق این گونه فیلم‌ها هستم. اما بعد از این و **گرینچ** **Irene and Grinch** فعلاً هیچ می‌خواهم برای مدتی از نقشه آمریکا خارج شوم، البته بعد از **The Grinch**. حتی جالب و گیراترین انسان نیز ممکن است پیر شود، اگر همیشه این جا باشد. شاید این طرز باید گفت که دیگر نخواهی دنباله‌های **احمق و احمق‌تر** **Dumb and Dumber** و **ماسک** **The Mask** را، با وجود این که هر دوی آن‌ها پر فروش و خنجال‌برانگیز بودند را بازی کنی. من این جوری تصمیم نمی‌گیرم. بیشتر چیزهای فردی است. آیا خطرناک خواهد بود؟ و مشکلاتی را که در این راه وجود دارد کدامند؟ واقعاً هم‌مثلش بر این مینا است. می‌روم تا ببینم در آینده چه پیش می‌آید. به جز پول باید دلایل دیگری هم داشته باشید. همین. آیا به همین دلیل است که در تست بازیگری برای فیلم **مردی بر روی ماه** شرکت کردی؟

می‌لوش فورمن **Milos Forman** می‌خواست از مردم در حال داندی بودن، فیلم بگیرد. اطرافیان می‌گفتند: داین خطرناک است و ممکن است از تلویزیون پخش شود و خدا می‌داند دیگر کجا پخش خواهد شد، و اگر زده شوی، برای تو بد خواهد شد، و دو یک ستاره بزرگ هستی و مجبور به انجام این کار نیستی، ولی اگر می‌خواهی کاری انجام دهی، این فورمن است که داری هر بارش حرف می‌زنی و کارش یک فیلم‌سازگرد مدرسه نیست. و اگر می‌خواهی با او کار کنی اگر لازم شد باید خود را کوچک کنی.

او به خاطر نمی‌آورده بسیاری از جزئیات او دلم می‌پرسید، در این موقعیت من چه کار کردم؟ به خاطر نمی‌آورم، گاه برای او بشمار در دفاکت بود که باز گردد و درون کالبدش دوباره زندگی کنند.

آیا احساس می‌کردی که عمل یک واسط (مدیوم) را انجام می‌دهی؟

نمی‌دانم که شما به آن چه می‌گویید.

آیا کنترل رفتار خود را نیز از دست می‌داده‌ای؟

کمدی یک حیوان وحشی است، و وقتی خیلی در آن غرق شدی، فانتری و حقیقت یگی می‌شوند، من برای هیچ نقش دیگری این طور آماده نمی‌شوم، ولی این اندی کافمن استه اندی تیا طرح یک داستان را نیز در صحنه را ترک نمی‌کنند، ولی داستان کمی از آن چه انتظار داشت بزرگتر بود.

چگونه اندی را به جلوه آوردی؟

شاید هم نیاورده‌ام.

در مورد **Heartbeeps** [فیلم ربانی کافمن] چی فکر می‌کنی؟

[می‌خندد]. چیز جنون‌آمیزی در آن نیست، می‌تواند دخترهای زمینی آسانند. **Earth Girls are Easy**. فیلم بعدی‌ات، من **خووم** و این **Ma, My Self and Irene** است، چرا به کمدی باطنی برگشتی؟

نمی‌خواهم متکبر باشم، اکنون این خطر برای من وجود دارد که فقط نقش‌هایی را انتخاب کنم که برای اسکار مناسب‌اند. دوست دارم خنده‌دار باشم، این یک چیز عالی است. هیچ گام تصمیم بگیرم که نه‌بسیار خوب، حالا یک هنرپیشه جدی خواهم شد، من دوست دارم

اگر تو همان کارهایی را بکنی که کافمن انجام می‌داد، چه خواهد شد؟ آیا باز هم بد از کار در خواهد آمد؟

اول از همه، بگذارید بگویم نسل X فکر می‌کنم آن‌را بهتر خواهد فهمید. فکر می‌کنم اندی از زمان خودش جلوتر بود، و ما همه خود را بسیار جدی می‌گیریم. او توسط مردم هم عصرش درک نشد. این روزها درک بهتری حاصل می‌شود.

آیا می‌دانستی که تو و کافمن در یک روز متولد شده‌اید و آیا شباهت‌ها از همان جا سرچشمه می‌گیرد؟

در حقیقت ما دقیقاً روز تولد یکسانی داریم. مسلماً من ارزش او را می‌دانم، ولی فکر نمی‌کنم که بخوایم او باشیم. با این حال از بعضی جهات بسیار دشوار است بخوایم خودم را از او جدا کنم. یک جورى به داخل این چیز کشیده می‌شوم. بیشتر اوقات تشخیص این که چه چیزی واقعی و چه چیزی غیرواقعی است دشوار است. باب زمودا **Bob Zmuda**، که عهده‌دار نقش تونی کلیفتون در این فیلم بود گاهی می‌خواست از نقش خود خارج شود و کافمن گردد.

تو چه تحقیقاتی انجام دادی؟

من با خانواده و دوستانش اوقات زیادی را صرف کردم. در خانه‌های اولیه‌اش سکنی گزیدم و مدتی را در اتاقش گذراندم، در را می‌بستم و به سبک برنامه‌های او برنامه اجرا می‌کردم. [همان طور که او در زمان کودکی‌اش]. بسیاری اطلاعات شخصی و خصوصی را از طریق پدرش دریافت کردم. یک خروار فیلم کوتاه از او نگاه کردم. این تحقیقات تا زمان فیلم‌برداری هم تمام نشد... اندی به فیلم بازگشت. او بسیار کجکاو بود بسیار چیزها بود که

# نگاه مطمئن به یک عصر خرم کس آنجلس

الین Elayne دوست اندی می گوید: انگار او یونگر بود. یک نفر معرکه گردانی حقیقاً از دیگر کودکانی ساده لوح، الین که روزهای آخر زندگی اندی را با او سپری کرده می گوید: اندی هرگز امیدش را از دست نداد. او قصد مردن نداشت. دو روز آخر روزها چشم باز گذراند فقط برای این که به مرگش اطمینان کند. وقتی

که مرگ در تاریک و روشنی یک عصر گرم کس آنجلس به استقبال او آمد نگاهی قرص و محکم داشت. پرستار که می خواست چشمانش را ببندد دوباره گشوده می شدند. به یاد می آورم که می گفت: مثل این که این مرد نمی داند که کی بی خیال شود و من خندیدم.

برخی از شایعات و افسانه ها را کافمن خودش می ساخت و منتشر می کرد؛  
 • اندی به خاطر شکستگی گردن در یک مسابقه کشتی

پس از مرگ زودهنگام اندی، کافمن در سن ۲۵ سالگی بر اثر سرطان، تمامی زندگی او تبدیل به یک افسانه شهری شده است. (افسانه های شهری فولکلورهای مدرنی هستند که به طرز اسرارآمیزی نمایان می شوند و به طور خودانگیخته به شکل های مختلف انتشار می یابند و معمولاً هسته ای از حقیقت درون آنها است).

وقتی که موضوع اندی کافمن باشد، شایعات، ابهام ها، افسانه ها و بزداشته های نادرست فراوانند.

هنگامی که کافمن برای معالجه به یک پزشک فیلیپینی با روش درمانی نامتعارف روی آورد برای بسیاری این سوال مطرح شد که چرا کافمن، استاد معرکه گردان حيله گر، برای درمان بیماری لاعلاج خود به این روش عجیب و غریب متوسل شده است و این فقط یکی از دلایل عجیب بودن اندی بود.

درگذشت:  
 • هنرنامه ای و رفتار خارق العاده اندی به علت تومور مغزی بود.  
 • اندی از زنان متفکر بود.  
 • روح آشنایی همفاز فروش لوازم کم دین ها، در کس آنجلس را تسخیر می کند.  
 • اندی مرگ خود را جعل کرد و هم اکنون در جایی مخفی شده است و منتظر است تا باز گردد و دنیا را تکان دهد.

با گذشت زمان زندگی غیرعادی و نامتعارف اندی اهمیت ژنئادی پیدا کرده است. کتاب ها، فیلم ها، برنامه های تلویزیونی و صفحات اینترنتی همه می کوشند جادویی را که اندی، نام داشت بار دیگر زنده کنند. آیا می توان به روشنی باور کرد که او یک کم دین یگانه بود، از آن گونه که شاید هرگز دیگر نبینیم؟



Mail on the divoon